

بی تعارف بار هبری

گفت و گویی با ۱۰ سخنران از طیف‌های مختلف فکری دیدار دانشجویان با رهبر معظم انقلاب نشان می‌دهد این جلسه می‌تواند یک الگو در نحوه مواجهه مسئولان با دانشجویان باشد

			
محمد افکانه	هادی ذوالفقاری	مسعود براتی	مصطفی دینی
			
سیدمحمی الدین فاضلیان	علی صدیقی	فاطمه سادات ضرابی	مجتبی ابراهیمی
			
سیدمحمسن میرحاجی	زینب السادات حسینی	صفحه‌های ۲ و ۳ را بخوانید	صفحه ۴ را بخوانید

گپ و گفتی با چهار عضو شورای صنفی دانشگاه‌های کشور درباره یک چالش قدیمی دانشجویان:

پیدا و نهان سنوات تحصیلی

صفحه ۱۴

مشکلی به نام عدم اجرای صحیح قانون سنوات است / امیر ضیاء عضو شورای صنفی دانشگاه تربیت مدرس

بعضی از دانشجویان سنواتی سود می‌برند اما... / هریار طاعتی عضو شورای صنفی دانشکده صداوسیما

قانونی که صلاحش را دانشگاه تعیین می‌کند / احمد رضا دریدل دبیر شورا صنفی دانشگاه خوارزمی

پیشنهادی برای پایان معضل سنوات تحصیلی / پویا جانی پور عضو اسبق شورای صنفی دانشگاه علم و صنعت و فعال صنفی

حاشیه ای بر یک هیات پرفردار دانشجویی در ماه مبارک رمضان

حاشیه نگاری

شب‌های شیدایی

شهید تا اقلام فرهنگی که برای فروش در نظر گرفته شده بود. آن شب خادمان هیئت، مراسم را به یاد شهید حمید سیاهکالی مرادی از شهدای مدافع حرم برگزار کردند و تصویری از این شهید به همراه قسمتی از وصیت‌نامه‌اش را در کنار تریبون سخنرانی قرار داده بودند. طرحی که در پشت سخنران مراسم کار شده بود در عین سادگی و بی‌آلایشی، دنیایی از مفاهیم را در خود گنجانده بود. برخلاف بسیاری از هیئات که نام مبارک ائمه معصومین (ع) در پشت سخنران نقش بسته اما طرح خادمان هیئت میثاق با شهدا برای شب‌های ماه رمضان، یک جمله بود، آن هم به فارسی. «از سیم خردار نفست عبور کن». جمله پرمنای که شهید علی خوش‌لفظ در کتاب «وقتی مهتاب گم شد» با تدبیر خادمان هیئت، مراسم کاملاً با برنامه‌ریزی خاصی در حال برگزاری بود. ابتدا مراسم حزب‌خوانی قرآن کریم و پس از آن بیان لطافت قرآنی، سپس مراسم با سخنرانی ادامه می‌یابد و مناجات‌خوانی حدود ساعت یک بامداد به اتمام می‌رسد. حجت‌الاسلام عابدینی سخنران مراسم بیانات خود را به طرز قابل توجهی به مسائل علمی دانشگاهی پیوند می‌زد و می‌توان این گونه ادعا کرد که مخاطبان این سخنران تنها قشر دانشگاهی ندیده‌اند و فرهیخته بودند و اظهار آن‌ها برای عوام بی‌کاربرد و شاید خسته‌کننده بود. پایان سخنرانی، همه منتظر به‌اصطلاح گل برنامه بودند، یعنی مناجات‌خوانی میثم مطیعی. این صلاح تحصیل کرده مانند همیشه با صدای دل‌نشین خود فرازهایی از دعای ابوحمزه ثمالی را قرائت کرد. فضای مسجد در زمان مناجات‌خوانی کاملاً متفاوت شده بود و همان دانشجویان و سایر افرادی که تا چند دقیقه قبل و هنگام سخنرانی سراپا گوش شده بودند و به‌غیر از صدای سخنران و چندین کودک که مشغول بازی بودند، میثم مطیعی که دانش‌آموخته دانشگاه اسلامی (ع) است و سال‌ها در هیئت میثاق با شهدا توفیق خدمت‌گزاری داشته است با وجود اینکه چند سالی است از تحصیل فراغت‌پدا کرده و حالا استاد همین دانشگاه شده اما وقتی پیش به این هیئت باز می‌شود خود را خادم آن می‌داند و جالب آنکه پس از پایان مراسم توضیحاتی را درباره کتاب «یادت باشد» و طرح نذر فرهنگی ارائه و همگی را به بازدید از غرفه فروش کتاب دعوت کرد. در پایان مراسم نیز خادمان هیئت علاوه بر پذیرایی و عرضه محصولات فرهنگی، بازم در قسمت‌های مختلف دانشگاه ایستاده و از مهمانانی که قصد خروج از محوطه دانشگاه را داشتند با گرمی زیادی تشکر می‌کردند.

اتوبوس کم کم به ایستگاه پل مدیریت نزدیک می‌شد و گنبدی که نوری سبزرنگ از آن بیرون زده بود در میان برج‌های بلندی که در مسیر و اطراف آن وجود داشت، دیده می‌شد. فاصله از ایستگاه اتوبوس تا ورودی دانشگاه کمتر از آن است که نیازی به وسیله نقلیه باشد و کافی است دقایقی پیاده‌روی نمایید تا به آنجا برسید. هرچه به ورودی اصلی دانشگاه نزدیک‌تر می‌شدی صدای میثم مطیعی که در حال مناجات‌خوانی بود بیشتر می‌شد و استرس این را می‌گرفتی که تکند از سخنرانی جامانده‌ای. اما نه، این صوت را خادمان هیئت میثاق با شهدا پخش کرده بودند تا به‌نوعی با این‌نوی دل‌نشین و اسپندی که در دست یکی از خادمان بود، از مهمانان برنامه استقبال کنند. در جای جای دانشگاه دانشجویانی با ظاهر متحدالشکل ایستاده بودند و همه مهمانان مراسم با گرمی فراوانی خوش آمد می‌گفتند. سویی عطری در محوطه مسجد دانشگاه پیچیده بود و این موضوع، زیارت شهدای گمنام دانشگاه و تجو با آن‌ها را دل‌چسب‌تر می‌کرد. در مسیر رسیدن به مسجد دانشگاه که با گل‌دندان‌هایی زیبا تزئین شده بود، بنبری قرار داشت که افراد می‌توانستند بر روی آن دل‌نوشته‌ی خود را بنویسند. علاوه بر این، غرفه‌هایی برای فروش کتاب و محصولات فرهنگی در نظر گرفته شده بود و کتاب «یادت باشد» که روایت زندگی شهید حمید سیاهکالی مرادی از زبان همسر وی است با ۲۰ درصد تخفیف و در قالب نذر فرهنگی عرضه می‌شد که با استقبال مراجعه‌کنندگان همراه شد. در میز دیگری که در داخل مسجد قرار داشت، دو فرد میان‌سال مشغول خطاطی بودند و هر فردی که با به مسجد می‌گذاشت توجهنش به آن دو جلب می‌شد و دقایقی به نظاره می‌ایستاد. حتی برخی از مهمانان از خطاطان حاضر در مسجد درخواست می‌کردند که آنچه مدنظرشان بود را برای آن‌ها با خطی خوش بنویسند و به همین دلیل وقت بیشتری را در آن قسمت از مسجد صرف می‌کردند. مسجد دانشگاه که مساحت بسیار بزرگی دارد را با نصب پرده‌هایی همگی را به بازدید از غرفه فروش کتاب دعوت کرد. در پایان مراسم هیئت میثاق با شهدا، در این شب‌ها نیز یاد و خاطر شهدای دفاع مقدس و شهدای مدافع حرم به بهانه‌های مختلفی گرمی داشته شده بود، از نام‌گذاری هریک از شب‌های برگزاری مراسم به نام و یاد یک



جنبش دانشجویی و کارهای بر زمین مانده

نگاه



در راستای سنت هرساله دیدار دانشجویان با رهبر انقلاب که به مناسبت ماه مبارک رمضان نزدیک به دو دهه است که برگزار می‌شود، امسال نیز این دیدار با حضور دانشجویان و نمایندگان اتحادیه‌های دانشجویی برگزار خواهد شد. اما آنچه در آستانه این دیدار به نظر می‌آید، از سوی فعالان دانشجویی مورد توجه واقع شده است که با بازخوانی عملکرد یکسال گذشته مجموعه دانشجویی خود و قیاس آن با انتظارات و رهنمودهای رهبری در سال‌های گذشته ضمن بازخوانی مطالبات و انتظارات از مجموعه‌های دانشجویی، عملکرد مجموعه خود را نیز در سنجی ارزیابی قرار دهند. در همین راستا و با توجه به این مسئله می‌توان عملکرد جریان دانشجویی را با دو رویکرد به ارزیابی گذاشت. یک رویکرد این است که با مرور اقدامات درست و در چارچوب مطالبات رهبری به بازخوانی آن‌ها پرداخت و رویکرد دوم این است که با یادآوری و بازخوانی کارهای بر زمین مانده زمینه ساز اجرایی شدن آن‌ها در سال تحصیلی آینده شد. در همین راستا نگارنده در این مسوده قصد دارد تا ضمن بازخوانی برخی از امور بر زمین مانده جبهه انقلاب در دانشگاه‌ها با عنوان یک فعال سابق دانشجویی زمینه کمک به جریان دانشجویی مسلمان را فراهم آورد. در همین راستا و براساس فرمایشات رهبر انقلاب طی سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۶ چند کار بر زمین مانده جریان دانشجویی را می‌توان در کار اصلی بیان نمود:

۱- یکی از اصلی‌ترین و مهم‌ترین مسائلی که دانشگاه و جریان دانشجویی این روزها به‌شدت از آن رنج می‌برد، عدم ایجاد ظرفیتی برای گفتمان‌سازی در محیط پیرامونی و اجتماعی است که می‌بایست جریان دانشجویی با توجه به روحیه آرمان‌خواهی به مسائلی از قبیل ایجاد جامعه اسلامی و تمدن اسلامی به معنای احیای تفکر اسلام سیاسی، اعتمادبه‌نفس به معنای عملیاتی کردن شعار «ما می‌توانیم» در دانشگاه‌ها، زیر سؤال بردن نظامی که بر پایه رابطه سلطه‌گر و سلطه‌پذیر در دنیای مدرن بنا شده، عدالت‌خواهی و آزادی‌خواهی و ایجاد دانشگاه اسلامی با توجه و مطالعه دقیق و برنامه‌ریزی شده قرآن، نهج‌البلاغه، مجموعه بیانات امام (ره) و رهبر معظم انقلاب و معارف متقن انقلاب اسلامی این آرمان‌ها را فهرست کرده و با پیگیری آن‌ها و گفتمان‌سازی در این حوزه‌ها که هدفمند صورت می‌دهد، ضمن رفع یکی از نواقص اساسی خود، در تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی نیز نقشی مهم ایفا کند.

۲- باگذشت بیش از یک دهه از مطالبه مهمی همچون کرسی‌های آزاداندیشی و تکرار این مطالبه از سوی رهبر انقلاب در دیدارهای متعدد با دانشجویان و دانشجویان همچنان آنچه در فضای واقعی دانشگاه قابل لمس می‌باشد اینک نه تنها چنین امری تبدیل به یک امر رایج نگردیده بلکه فهم مشترکی نیز در بدنه جریان دانشجویی نسبت به آن وجود ندارد. در این میان جالب‌تر آنکه در فضای امروزین دانشگاه، جریانی که روزی خود را یگانه مطالبه‌گر گفتمان «زادی» می‌پنداشت و از قضا امروز بخش اصلی مدیریت دانشگاه را نیز خصوصاً در عرصه مدیریت فرهنگی در اختیار دارد نیز اقدامی درخور و محسوس جهت ترویج فضای آزاداندیشی و رامناندازی عملی کرسی‌های آزاداندیشی در دانشگاه‌ها نکرده است و حتی طی دوره حضور خود در مدیریت دانشگاه عملاً مطالبه آزادی را به سمت و سویی غیر از تقویت و ایجاد فضای آزاد و تخصصی مباحث فکری- نظری و در صورت امکان آن و خارج از شئون دانشگاه نمایان کرده است.

۳- ایجاد «جذابیته دینی» در امور فرهنگی در مقابل گفتمان ضد دینی «جذابیته بی‌بند و باری» در امر فرهنگ از سوی جریان مقابل جزء مسائل مهمی است که باعث شد رهبر انقلاب در رمضان سال ۹۴ در مقام یک استاد متبحر کارگاه تشکیلات این مسئله ضروری و مهم را یادآور شوند که از هر ابزاری نمی‌توان برای جذب بهره برد و البته تشکل‌ها و مسئولان فرهنگی درون دانشگاهی و خارج از دانشگاه برای ایجاد جاذبه دست‌خالی نیز نیستند و ابزارهای مهمی در دست دارند از قبیل حرف نویی که از دل مطالعه بیرون آمده باشد و بتوان ریشه‌های آن حرف نو را در اندیشه دینی و انقلابی جست‌وجو کرد. یکی دیگر از ابزارهایی را که به نظر مورد غفلت جریان انقلابی در محیط دانشگاه قرار گرفته بحث ابزارهای هنری است که در عرصه‌های گوناگونی از قبیل تئاتر، کاریکاتور، شعر، سرود، طنز و... قابل ارائه و بیان حرف‌های دینی و انتقال پیام‌های گفتمان انقلاب اسلامی است. باید متذکر شد که در صورت عدم ورود جدی و مؤثر در این حوزه، فضا را برای ترویج گفتمان «بی‌بند و باری» در امر فرهنگ باز می‌گذاریم.

۴- عدم برنامه‌ریزی دقیق در بدنه تشکل‌های دانشجویی انقلابی برای افزایش سطح آگاهی در حوزه‌های مختلف اعم از سیاسی، فرهنگی و دینی و نداشتن تسلط بر مطالب و مسائل کشور مهم‌ترین نقصی است که در کنار بی‌توجهی دانشجویان انقلابی به امر «توسعه مخاطبان» در محیط دانشگاه همچنان به‌عنوان یکی از معضلات اساسی به یادگار مانده است و در صورت عدم رفع این نقیصه، جریان دانشجویی انقلابی به‌مرور تأثیرگذاری خود را در محیط دانشگاه از دست خواهد داد و در ادامه نیز با خطر استعجال روبرو خواهد شد. خطری که با بررسی دقیق تاریخ جریان دانشجویی در دوران پس از انقلاب اسلامی به‌دفعات می‌توان بروز و ظهور عینی آن را مشاهده کرد. در آخرین نمونه آن نیز اتفاقی که در همین مدت اخیر یک‌ساله در خصوص مسئله عدالت و عدالت‌خواهی در مجموعه‌های دانشجویی انقلابی و همچنین ادوار این تشکل‌ها بروز و ظهور پیدا کرد، مهم‌ترین دلش می‌تواند نشأت گرفته از همین مسئله باشد یا در نمونه‌های دیگر اقول دفتر تحکیم وحدت در برهه پس از دوم خرداد که همه شواهد حکایت از روزین بادر میل این مجموعه دانشجویی داشت، جدا از مسائل سیاسی که شاید آن‌ها نیز خود معلولی از بنیان‌های فکری این مجموعه بوده است، دارای علتی اساسی در حوزه محتوایی بوده است. که باعث می‌شود بخشی از این مجموعه‌ی اسلام‌گرا پس از گذشت ۸ سال از دولت اصلاحات در نشتی در مردامه ۸۴ که در دانشگاه صنعتی امیرکبیر برگزار شد تعریفشان را از اصلاح‌طلبی موافقت با هم‌جنس‌بازی، هم‌بستری دختران با مردی بیگانه و از این دست اظهارات باند و اجازه دهد تا سخنران این نشست هر آن فردی را که غیر از این می‌پندارد را در طرفداری از اصلاح‌طلبی دروغ گو بپندارد. اتفاقی که اگر جریان دانشجویی مسلمان امروز نیز از آن غفلت کند بدون شک در گذر زمان دچار چنین فاجعه‌ای خواهد شد.

۵- یکی از بزنگاه‌های مهمی که انتظار می‌رفت قشر انقلابی در تشکل‌های دانشجویی نسبت به آن حساسیت بیشتری نشان دهد؛ مسئله سبک زندگی بر مبنای الگوی ایرانی اسلامی است که مطمئناً نیازمند مطالعه، هم‌فکری، عمل‌گرایی و در ادامه بسط و گسترش آن در محیط دانشگاه و جامعه است. واقعیت این است که غرب تلاش دارد تا با گسترش سبک زندگی مکتب به خود در سطح جهانی ضمن حذف هر گونه صدای ناوک از منظر خودش، در جهت یکسان‌سازی جهانی و هم‌ملت‌ها در فرهنگ غربی زمینه وابستگی همیشگی ملت‌ها را به‌صورت بنیادین دنبال نماید و اینجاست که جریان دانشجویی انقلابی باید نسبتش را با مسئله‌ی مهمی همچون سبک زندگی که زمینه وابستگی فرهنگی که عمیق‌تر از اقتصادی است را مشخص نماید و ضمن توجه به این مسئله هرچه سریع‌تر در جهت عملیاتی کردن سبک زندگی ایرانی اسلامی گام‌های اساسی بردارد.

۶- توجه به ظرفیت مهم فضای مجازی برای تشکیل جبهه در میان دانشجویان جهان اسلام از مسائلی است که با توجه به اینکه در دوران حاضر می‌توان با سهولت بیشتری نسبت به گذشته، ضمن شناسایی تشکل‌ها و جماعت‌های دانشجویی مسلمان هم‌مرام با گفتمان انقلاب اسلامی با تأکید بر مشترکات زیادی که وجود دارد، زمینه گسترش فعالیت‌های تشکل‌های دانشجویی انقلابی را به بیرون از مرزها جهت تأثیرگذاری و تأثیرپذیری بدنه دانشجویی در مقابله با تبلیغات گسترده دشمن در جهت تأمید کردن بدنه جوان دانشجویی فراهم نمود، اما تشکل‌های دانشجویی انقلابی در حالی که همچنان به حضور بی‌هدف و بی‌نتیجه خود در شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی که نشأت گرفته از توهم فعالیت مؤثر فرهنگی برای دانشگاه می‌باشد ادامه می‌دهند، از این ظرفیت عظیم و تأثیرگذار غافل مانده‌اند و اقدامی عملیاتی برای این امر صورت نگرفته است.



کار ویژه تشکل‌ها بعد از دیدار با رهبری

مسعود براتی
نماینده جنبش عدالت‌خواه دانشجویی

دیدار رمضان سال ۱۳۸۹ واقعبیت فضای کشور این است که دیدار دانشجویان با رهبر انقلاب به خصوص برای تشکل‌هایی که کار جمعی می‌کنند و یکسری اهداف و آرمان‌هایی دارند، یک فرصت کلیدی است و در بالاترین سطح توجهات رسانه‌ها می‌توانند حرف‌هایشان را مطرح کنند. و این انتظار را داشته باشند رهبر انقلاب نسبت به آن موضوعات واکنش و نظر خودشان را بگویند. و این برای تشکل‌ها می‌تواند بسیار مهم باشد چون مأموریت و کار ویژه تشکل‌ها به گونه‌ای است که بتوانند یک مسئله را در فضای کشور جریان و تبدیل به گفت‌وگو کنند. سال ۸۹ که من به عنوان نماینده جنبش عدالت‌خواه مقابل رهبر انقلاب متن را ایراد کردم. متن جنبش عدالت‌خواه نزدیک به یک ماه برایش وقت صرف شد و از همه دیدگاه‌ها سعی کردم استفاده کنیم. موضوع مهم در آن جلسه که ایراد شد، قانون پنجم توسعه بود که در دستور کار مجلس نیز قرار می‌گیرد، در این قانون دو مسئله جدی وجود داشت که مغایر با قانون اساسی و قلمداد شد. یک، موضوع خصوصی آموزش و پرورش و دوم خصوصی‌سازی حوزه نظام سلامت. برای ما به خصوص با توجه به ساختار جنبش عدالت‌خواه که توجه ویژه‌ای به مسائل اجتماعی و اقتصادی دارد و برایش این مسائل محور بوده، و حوزه‌هایی که در آن عدالت اجتماعی وجود دارد، برای ما این دو موضوع قابل‌پذیرش نبود. طی مشورت‌هایی که با اساتید صورت داده بودیم، به این نتیجه رسیده بودیم که خصوصی‌سازی آموزش و پرورش و نظام سلامت مغایر با قانون اساسی است و گامی برای دور شدن از عدالت اجتماعی است. حتی رهبر انقلاب هم به این موضوع اشاره کردند، و در آن بخش سخنرانی‌شان گفتند که نظر خودشان هم نظر ما است که این دو حوزه، حوزه حاکمیتی است و نباید رفتار اصل ۴۴ روی آن صورت بگیرد. اتفاقی که افتاد بعد از آن سخنرانی افتاد، موجی بود که صورت گرفت، که بعضی از نمایندگان مجلس آن کار پیگیری کردن و از دستور کار مجلس این دو محور خارج شد. الان مسئله مذاکرات هسته‌ای یک از موضوعات مهم دانشجویان است، اما نکته‌ای که وجود دارد این است که تشکل‌های دانشجویی باید متوجه این موضوع شوند که بحث مذاکرات ناشی از یک فضایی است که ما در آن قرار گرفته‌ایم، و همین فضا هم متأثر از چیزی است که جنبش دانشجویی در آن قرار نداشته است.

توجه کم نظیر به متن سخنرانی

هادی ذوالفقاری
نماینده انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی

دیدار رمضان سال ۱۳۹۴ تا جایی که اطلاع دارم نماینده اتحادیه‌ها در جلسه دیدار دانشجویان با رهبر انقلاب در سال ۹۴ فرصت داشتند و از میان تشکل‌های شاخص آن سال نیز به یک یا دو تشکل فرصت سخنرانی داده شده بود، البته بعد از این سال، یک‌بار نماینده هیئت نظارت بر نشریات دانشجویی در حضور رهبری سخنرانی کرد و بعد از آن دیگر اجازه صحبت به تشکل‌های منفرد داده نشده است. در آن جلسه بنده به عنوان نماینده تشکل اساساً متنی نداشتم و صرفاً سخنرانی کردم، باین حال سرفصل‌ها را از پیش در نظر گرفتم و چون متنی نداشتم، ممیزی نیز در آن صورت نگرفت و واکنش رهبر معظم انقلاب نیز فراتر از آنچه ما تصور می‌کردیم بود؛ چراکه ایشان ۴ بار به مطالبی که تشکل ما اشاره کرده بود، در سخنرانی‌هایشان پرداختند و اینکه رهبری به سخنرانی یک تشکل تا این حد توجه نشان دادند، موضوع کم‌نظیری محسوب می‌شود. البته ایشان به سوالات و با مطالب سایر تشکل‌ها نیز اشاره می‌کردند ولی این مسئله درباره سایر تشکل‌ها نهایتاً یک یا دو بار اتفاق می‌افتد، ولی ایشان در سخنرانی‌هایش ۴ بار به مطالب ما اشاره کرده و درباره آن صحبت کردند. بعد از پایان سخنرانی‌ام خدمت رهبر معظم رسیدم و یک جمله را به ایشان گفتم که در حوزه مسائل عمومی نبوده و ایشان نیز به صحبت‌م پاسخ دادند، باین حال این جمله بین بنده و ایشان باقی مانده و حتی دوستان نزدیکم هم نمی‌دانند. یکی از مسائلی که همان سال نیز به مسئولان برگزاری این مراسم گفتم، این بود که این جلسات بیشتر شود و تنها به ماه مبارک رمضان ختم نشود؛ هرچند که در روز دانش آموز نیز برخی از دانشجویان در جلسه حضور دارند، ولی درخواستم آن بود که تعداد جلسات دانشجویی بیشتر شده و اتفاقاً در این دیدارها تریبون بیشتر در اختیار دانشجویانی قرار بگیرد که نگاه‌های متفاوتی نسبت به مسائل کشور دارند تا دانشجویانی که نگاهشان با نگاه حاکمیتی در یک راستا قرار دارد. در آن دیدار نیز مطالبی را بیان کردم که نمایانگر تفاوت نگاه ما به مسائل بود و خوشبختانه آن سال به تشکل ما تریبون دادند تا مطالبمان را بیان کنیم و امیدواریم امسال و سال‌های آینده نیز چنین اتفاقی بیفتد، البته باید بگویم که تفاوت نگاه به معنی منتقد و یا مخالف بودن نیست.

متن مورد توجه رهبری

مصطفی دینی
نماینده انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران

دیدار ماه رمضان سال ۱۳۸۹ برای حضور انجمن ما در دیدار فرهاد رهبر که آن زمان رئیس دانشگاه تهران بود تلاش زیادی کرد و ما نیز چون خط قرمزها را می‌دانستیم به گونه‌ای متتمان را تنظیم کردیم که نیاز به سانسور نداشت و متن نهایی ما دچار تغییر نشد و حین و بعد از سخنرانی‌ام نیز دچار حاشیه‌ای نشدیم. موضوعی که در آن دیدار مطرح کردیم یکی درباره ماهیت انجمنمان بود، همچنین فضاهای آن روزهای دانشگاه از جمله حوادث کوی دانشگاه را بیان کردیم و تلاش کردیم زبان دانشجویان آسیب‌دیده در این حادثه باشیم، البته بحث سیاست داخلی کشور را هم بیان کردیم. بعد از پایان سخنرانی‌ام به خدمت رهبر انقلاب رفتم و ایشان فرمودند صحبت‌هایم خوب بود و به رهبری گفتم که چنین دیدارهایی که در آن انجمن‌هایی مانند انجمن ما حضور داشته، قطع نشود و ایشان نیز فرمودند حتماً قطع نخواهد شد. نکته جالب در آن دیدار این بود که از بین ۱۲ تشکلی که حضور داشتند تنها تشکل ما نگاه متفاوتی به مسائلی داشت و ۱۲ تشکل دیگر تقریباً حرف‌های مشابهی می‌زدند و آن‌ها چنان بحث‌های انتقادی نداشتند و تنها فردی که انتقادی صحبت کرد، من بود و اهمیت حرف‌هایی که از سوی انجمن ما مطرح شد هم این بود که رهبر معظم انقلاب از حدود یک ساعت صحبت‌هایشان، حدود ۳۰ دقیقه از مطالب خود را به صحبت‌های من اختصاص دادند و علاوه بر آن مطالبی که از سوی ما مطرح می‌شد را یادداشت می‌کردند و بیشترین پاسخی که به سوالات دانشجویان داشتند نیز مربوط به انجمن ما بود. بعد از پایان آن دیدار، عده‌ای از سخنرانی انجمن انتقاد کردند، باین حال رسانه‌های مختلف هر کدام از ظن خودشان این مسئله را بازتاب کردند و از آنجایی که گزارش‌های فارس و تسنیم و رسانه‌های اصلاح‌طلب این مسئله را بازتاب کردند می‌توانم بگویم که سخنرانی ما مورد توجه همه رسانه‌ها و حتی رسانه‌های خارج از کشور قرار گرفت، البته صحبت‌های ما علی‌رغم انتقادی بودند به برخی مسائل با رعایت همه خط قرمزها زده شده بود و به همین دلیل همه رسانه‌ها توانستند به آن بپردازند.

جلسه‌ای بدون سانسور

محمد اکتانه
نماینده اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان مستقل

دیدار رمضان سال ۱۳۸۹ زمانی که تشکل‌های دانشجویی به‌روزهای نزدیک به دیدار با رهبر معظم انقلاب می‌رسند، از آنجایی که این فرصت را پیدا می‌کنند تا گزارش عملکرد یک‌ساله خود را نزد ایشان ارائه دهند، این دیدار برایشان بسیار با اهمیت می‌شود، علاوه بر آن تشکل‌ها در فاصله زمانی بین دو دیدار با رهبری زمان دارند تا آرمان‌ها و اهداف خود را محقق کنند و هیچ جلسه‌ای برایشان بهتر از دیدار با رهبری نیست که بتوان در آن مطالبشان را بدون سانسور به گوش شخص اول کشور برسانند. بنده به نمایندگی از اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان مستقل در سال ۱۳۸۹ و تنها یک سال بعد از فتنه خدمت رهبری رسیدیم و شاید آن زمان هنوز جنبه‌های مختلف فتنه برای مردم و حتی خواص به‌درستی مشخص نشده بود و جنبش دانشجویی باید در این زمینه روشن‌گری می‌کرد، به همین دلیل ما در متن سخنرانی‌مان انتقادات خودمان را از دولتی که با آرای ۶۵ درصدی مردم روی کار آمده بود، بیان کردیم و همان سالی که خدمت رهبری رسیدیم، در حقیقت جنبش دانشجویی یک سال تمام بود که بر مسئله دانشگاه آزاد اسلامی را شروع کرده بود و همان سال حتی این مسئله به مجلس شورای اسلامی نیز کشیده شد و بحث وقف آن در حال تصویب بود که در نهایت این اتفاق نیفتاد و ما نیز تجمعی را جلوی مجلس داشتیم که با برخورد تند رئیس و نمایندگان وقت همراه بود و این مهم را نیز خدمت رهبری بیان کردیم. رهبر معظم انقلاب در آن دیدار کلیت صحبت‌های ما را تأیید کردند و بعد از پایان سخنرانی نیز وقتی خدمت ایشان رسیدیم و قدم این بود که گردنبدی که روی آن افسر جنگ نرم حک شده بود و آن را از سفر هشت ماه پیش از این دیدار راهبان نور به دست آورده بودم، تبرک کنم؛ رهبری گردنبندر را بوسیدند که از این کار بسیار شگفت‌زده شده بودم.

آزادترین تریبون جمهوری اسلامی

زینب السادات حسینی
نماینده دفتر تحکیم وحدت

دیدار ماه رمضان سال ۱۳۹۴ وقتی وارد دانشگاه امیرکبیر شدم به دلیل تک‌بعدی نبودن دانشگاه، جریان‌ات فکری مختلفی مجوز فعالیت داشتند. معمولاً در بین اتحادیه‌ها، دبیر آن اتحادیه سخنران جلسه دیدار رهبری با دانشجویان انتخاب می‌شود، اما در آن سال با رای گیری که صورت گرفت قسمت من بود که به عنوان سخنران آن دیدار انتخاب شوم. متن دیدار هم به صورت دسته‌جمعی تنظیم شد و نقاط ضعف و قدرتی که در کشور بود مورد بررسی قرار گرفت، که طی آن چندین جلسه با اعضای انجمن‌ها متن آماده می‌شد و در انتها یک متنی تهیه شد که همان متن در آن دیدار ایراد شد. از خاطرات جالب من این بود که تا آن دیدار باینکه در سال‌های قبل تلاش می‌کردم که در آن دیدار حضور داشته باشم اما توفیق نمی‌شد و حتی پشت درب حسینیه امام هم می‌ایستادم و درخواست کارت اضافه می‌کردم. البته یکی دوبار موفقی در حضور در حسینیه شدم. من پیش‌بینی نمی‌کردم که وقتی وارد حسینیه می‌شوم استرس داشته باشم چون هم از لحاظ روحی آماده بودم و هم متن را چندین مرتبه خوانده بودم. اما زمانی که وارد حسینیه شدم تریبون را دیدم، صدای رهبری را دیدم به طور اتفاقی دست‌هایم شروع به لرزیدن کرد و وقتی به من گفتند که نفر اول هستید ما هشتی که این استرس به اوج خودش رسید. یادم است وقتی متن را شروع کردم در بعضی از مواقع متن را گم می‌کردم اما هرچه به جلو می‌رفتم این استرس کمتر می‌شد و اعتماد به‌نفسم بیشتر. رهبر انقلاب نه تنها در آن جلسه بلکه در جلسات بعدی با مسئولین ضمن اشاره به صحبت‌های دانشجویان به آن‌ها تذکرانی هم می‌دادند. متن ما حول دو موضوع فرهنگی و فضای دانشگاهی بود، که رهبری به طور صریح در آن جلسه ضمن اشاره به موضوع ما به آن پاسخ دادند و فرمودند آنچه که دانشجویان درباره فضای دانشگاه گفتند مطالبه من نیز است. حتی ایشان به بخش دیگر ما نیز که درباره شعار بدون عمل بود نیز اشاره کردند و فرمودند اگر شعار درست انتخاب شوند اتفاقاً تأثیرگذار خواهد بود. این دیدار آزادترین تریبون جمهوری اسلامی می‌تواند باشد. و دانشجویان بدون اینکه برگه‌های آن‌ها چک و محدود شود می‌توانند همه نقدها و مطالبات را مطرح کنند. و همین روی گشاده‌رهبی باعث می‌شود که تکلیف دانشجویان سنگین تر نشود.



سنی ۲۰ ساله

گفتگویی با ده فعال دانشجویی که طی سال‌های اخیر در دیدار دانشجویان با رهبر معظم انقلاب نشان از اهمیت ویژه این دیدار می‌دهد

حسینیه امام خمینی (ره) هر ساله در ماه مبارک رمضان میزبان جلسه‌ای لذت‌بخش و شیرین است. دیدار دانشجویان با رهبر انقلاب، سنی ۲۰ ساله که از سال ۷۷ شروع و به‌جز یکی دو سال در همان اوایل، به صورت مستمر در حال برگزاری است. دیداری پر شور و نشاط که نمایندگان دانشجویان بدون هیچ واسطه هر آنچه را که مدنظرشان است به سمع و نظر شخص اول کشور می‌رسانند و ایشان هم در حوزه‌های مختلف رهنمودهایی را برای دانشجویان دارند. در اینجا و به مناسبت نزدیک شدن به این دیدار همیشه و جذاب، به سراغ تعدادی از دانشجویانی که در این دیدار به نمایندگی از تشکل‌های دانشجویی اقدام به سخنرانی کرده‌اند رفته‌ایم. در ادامه نیز گزیده‌ای از صحبت‌های معظم له در سال‌های مختلف آورده شده است.

۱۳۷۷/۱۰/۲۴ (توطئه دشمن و طبیعت جریان دانشجویی)

ما هم هدف توطئه‌هایی هستیم و این توطئه‌ها منوجه نقاطی در کشور ماست که یکی از آن‌ها جوانان، بخصوص جوانان دانشجوی هستند. خلاصه‌ای این توطئه‌ها این است که کاری کنند بین جوان این مملکت - که اکثریت مملکت، جوان‌اند و آینده‌ی مملکت هم‌دست جوانان است - و اندیشه‌های عمیق و مستدل و مستحکم دین و انقلاب، فاصله بیندازند. طبیعت جوان، طبیعت دانشجوی و نهفت دانشجوی، مقابله بانفوذ بیگانه، نفوذ دشمن، نفوذ قلدرها، زورگورها و دیکتاتورهای بین‌المللی در داخل مسائل یک کشور است. اگر جنبش دانشجویی وجود دارد، این طبیعت جنبش و بیداری دانشجویی است. اگر بکنجا جمع دانشجویی جمع شوند و ضد این شعار دهند، این شعار اصیل و شعار دانشجویی نیست؛ بلکه شعار تحمیلی و از روی غفلت است.

۱۳۷۹/۹/۱۷ (عدم غفلت از جریان)

هر کس در کشور ما نسبت به جامعه‌ی جوان دانشجوی تکلیف نداشته باشد، بدون شک دچار غفلت است. هم را - بخصوص جوانی که در راه کسب علم و معرفت نسبت به سرنوشت او دارای حساسیت باشند و در تعیین کننده، خودشان را مسئول بدانند. همه‌ی مسئولان را داشته باشند. این آماجگی جوان‌ها، مقابله‌ی با خطر و جواب گفتن به ندای وظیفه‌ای که آن‌ها را دعوت می‌کند همیشه آن را در محیط جوان مشا

۱۳۹۰/۵/۱۹ (توصیه به مطالعه تاریخ)

مبانی علوم انسانی در غرب از تفکرات مادی سرچشمه می‌گیرد. هر کس که تاریخ و رنسانس را خوانده باشد، دانسته باشد، آدم‌هایش را شناخته باشد، این را کاملاً تشخیص می‌دهد. مبانی فکری ما با آن مبانی متفاوت است. هیچ ایرانی هم ندارد که ما از روان‌شناسی و جامعه‌شناسی و فلسفه و علوم ارتباطات و همه‌ی رشته‌های علوم انسانی که غرب ایجاد و تولید کرده یا گسترش داده، استفاده کنیم. من بارها گفته‌ام که ما از یادگیری به هیچ وجه احساس سرشکستگی نمی‌کنیم. لازم است یاد بگیریم، از غرب یاد بگیریم، از شرق یاد بگیریم. اطباء العلم ولو بالظن. ما از این احساس سرشکستگی می‌کنیم که این یادگیری به ذاتی و اگاهی و قدرت تفکر خود ما منتهی نشود.

۱۳۸۹/۵/۳۱ (دوگانه خلوص و وحدت)

بعضی‌ها میگویند وحدت، بعضی‌ها میگویند خلوص؛ شما چه میگویید؟ من میگویم هر دو. خلوص که شما مطرح می‌کنید - که ما بایست از فرصت استفاده کنیم و حالا که غربال شد، یک عده‌ای را که ناخالصی دارند، از دایره خارج کنیم - چیزی نیست که با دعوا و کشمکش و گریبان این و آن را گرفتن و با حرکت تند و فشار آلود به وجود بیاید؛ خلوص در یک مجموعه که این جوری حاصل نمی‌شود؛ ما به این، مأمور هم نیستیم. این جوری نیست که شما بپایند افراد ضعیف‌الایمان را از دایره خارج کنید، به پهنای اینک می‌خواهیم خالص کنیم؛ نه، شما هرچه می‌توانید، دایره‌ی خالصین را توسعه بدهید؛ کاری کنید که افراد خالصی که می‌توانند جامعه‌ی شما را خالص کنند، در جامعه بیشتر شوند؛ این خوب است.

۱۳۸۸/۶/۴ (عدم غفلت از رسالت دانشگاه در فضای فتنه گون)

مواظب باشید توی این قضایای سیاسی کوچک و حقیر مبدا دانشگاه تحت تأثیر قرار بگیرد؛ مبدا کار علمی دانشگاه متزلزل نشود؛ مبدا از ما بشگاه‌های ما، کلاس‌های ما، مراکز تحقیقاتی ما دچار آسیب بشوند؛ حواستان باشد. یعنی یکی از مسائل مهم در پیش روی شما، حفظ حرکت علمی در دانشگاه‌هاست. دشمن‌ها خیلی دوست می‌دارند که دانشگاه ما یک مدتی لاقط دچار تعطیلی و تشنج و اختلال‌های گوناگونی باشد؛ این برایشان یک نقطه‌ی مطلوب است؛ هم از لحاظ سیاسی برایشان مطلوب است، هم از لحاظ بلندمدت؛ چون علم شما از لحاظ بلندمدت به ضرر آن‌هاست؛ لذا مطلوب این است که دنبال علم نباشید.

۱۳۸۷/۲/۷ (صراحت بیان در جریان دانشجویی)

بدترین اشکال وارد بر محیط دانشجویی این است که دانشجوی دچار محافظه‌کاری شود. حرفش را با ملاحظه بی‌موقع و مصلحت خیالی بیان کند. اینک اینکه دانشجوی حرفش را رو و صریح و آشکار بزند و دچار سیاسی‌کاری نشود. چیز مطلوبی است. یکی از کارهای لازم، تشکیل جلسات فکری وسیعی است که مجموعه‌ی دانشجویی، هم با مجموعه‌ی جوزوی، بر برنامه‌ریزی خوب می‌تواند به وجود بیاورد تا بتبیینند درباره‌ی مس گوناگون فکر کنند. گسترش فکر و برانگیز فکر درست و صحیح می‌تواند همان تهراتی ببخشد که ما در زمینه‌های مسائل علم و فناوری و پیشرفت علوم از دانشجوی توقع داریم؛ شکوفائی، آوردن حرف نو به میدان اندیشه‌ی، با یک حرکت صحیح و جهت‌گیری درست

۱۳۹۱/۵/۱۶ (رابطه آرمان‌گرایی، احساسات و پرخاشگری)

یک وقت مثلاً فرض کنید قضیه‌ی غزه پیش می‌آید، یک مشت جوان دانشجو میگویند این فلان فلان شده‌ها، این صهیونیست‌های خبیث سر بچه‌های غزه دارند بپم می‌زنند، فلان می‌کنند؛ برویم پدرشان را دربیابیم؛ راه میافتند، می‌روند فرودگاه‌ها، این احساسات، احساسات مقدس و پاک است. امثال من که یک کنار نشستیم و داریم نگاه می‌کنیم، آدم می‌خواهد چاشن را فدای یک چنین احساساتی بکند؛ این واقعاً ارزش دارد. من می‌گویم، ما برویم بیسیجی‌ها را می‌بوسیم، جایش همین جاست. آدم وقتی می‌بیند که یک جوانی اینجا توی خانه، در گرمای تابستان کولر و یخچال دارد، در سرمای زمستان وسیله‌ی گرمائی دارد، دانشگاه می‌رود، درس می‌خواند، موفقیت دارد، بعد یکهو مسئله‌ی غزه می‌خواهد او را به حالت انفجار برساند

۱۳۹۲/۵/۶ (رابطه بین تکلیف مداری و نتیجه گرایی)

رابطه‌ی «تکلیف‌مداری» با «دنبال نتیجه بودن» چیست؟ امام فرمودند: ما دنبال تکلیف هستیم. آیا این معنایش این است که امام دنبال نتیجه نبود؟ چطور می‌شود چنین چیزی را گفت؟ امام بزرگوار که با آن شدت، با آن جدت، در سنین گهولت، این همه سختی‌ها را دنبال کرد، برای اینکه نظام اسلامی را بر سر کار بیاورد و موفق هم شد، می‌شود گفت که ایشان دنبال نتیجه نبود؟ حتماً تکلیف‌گرایی معنایش این است که انسان در راه رسیدن به نتیجه‌ی مطلوب، بر طبق تکلیف عمل کند؛ برخلاف تکلیف عمل نکند، ضد تکلیف عمل نکند، کار نامشروع انجام ندهد؛ والا تلاشی که پیغمبران کردند، اولیای دین کردند، همه برای رسیدن به نتایج معینی بود؛ دنبال نتایج بودند. مگر می‌شود گفت که ما دنبال نتیجه نیستیم؟ یعنی نتیجه هر چه شد، شد؟

۱۳۹۳/۵/۱ (نسبت مواضع تشکل‌ها با نظرات رهبری)

این جور نیست که همه‌ی مواضعی که احاد مردم - از جمله دانشجویان که جزو قشرهای پیشرو هستند - اتخاذ می‌کنند، بایستی الگو گرفته و برگردان نظرانی باشد که رهبری ایراز می‌کند؛ نه، شما به عنوان یک انسان مسلمان، مؤمن، صاحب فکر، باید نگاه کنید، تکلیفاتان را احساس کنید، تحلیل داشته باشید. نسبت به اشخاص، نسبت به جریان‌ها، نسبت به سیاست‌ها، نسبت به دولت‌ها، موضع داشته باشید، نظر داشته باشید. این جور نیست که شما باید منتظر بمانید، ببینید که رهبری درباره‌ی فلان شخص، یا فلان حرکت، یا فلان عمل، یا فلان سیاست چه موضعی اتخاذ می‌کند که بر اساس آن، شما هم موضع گیری کنید؛ نه، اینکه کارها را قفل خواهد کرد.



وقتی پشت تریبون قرار گرفتیم

فاطمه سادات شرابی
نماینده اتحادیه دانشجویی دانشگاه آزاد اسلامی

قرار بود ذخیره باشم

علی صدری نیا
مجری دیدار سال ۱۳۹۶

دردسرهای یک سخنرانی

سیدمحمی الدین فاضلیان
نماینده انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران

پافشاری برای اینکه نباشم

سیدمحسن میرحاجی
نماینده بسیج دانشجویی

بدون تعارف

مجتبی ابراهیمی
نماینده اتحادیه جامعه اسلامی دانشجویان

دیدار رمضان سال ۱۳۹۵

دانشگاه آزاد سه اتحادیه دارد که هر سال به نوبت یکی از اتحادیه‌ها در دیدار بارهبری سخنرانی می‌کنند. سال ۹۵ نوبت اتحادیه دوم برای سخنرانی بود. اتحادیه دوم از نظر سیاسی دیدگاه باتری نسبت به دو اتحادیه دیگر بود چون جمعی از دانشجویان اصلاح طلب و اصولگرا در این اتحادیه بودند. اول قرار بود که دبیر کل اتحادیه در آن دیدار سخنرانی کند اما یک هفته به دیدار مانده بود که تصمیم در اتحادیه این شد که من برای سخنرانی آماده شوم. که این مسئله و کم بود وقت باعث شد نتوانم مشورت بیشتری از دیگر اعضای اتحادیه بگیرم. متن را خودم نوشتم و یک روز قبل از دیدار متن نهایی آماده شد. اولین واکنش خودم برای انتخاب سخنرانی خوشحالی بود. در حین دیدار هم با اینکه مسئولیتی روی دوش من بود اما استرس زیادی نداشتم. قبل از اینکه می‌خواستیم داخل محض حسینیته شویم، به دلیل اینکه دانشجویان زیادی داخل حسینیته شعار می‌دادند، فضای سنگینی را برای من درست کرده بود ولی وقتی وارد شدم، و شور و شوق دانشجویان را دیدم به یک باره همه استرس من فرو ریخت. من نمی‌دانستم نفر چندم هستم، تا اینکه نوبت من شد و وقتی صدایم زدن و پشت تریبون قرار گرفتم و رهبری را دیدم آرامش خاصی به من دست داد. راجع نخیکنان صحبت کردم و گفتم توجهی که به جوانان باید شود، نمی‌شود و در آنجا از یک نسخه‌ای گفتم و پس از پایان سخنرانی که خدمت رهبری رفته‌ام ایشان از من خواستند شماره همراه آن نسخه را به بنده بدهید. در خدمت رهبری بودم، به ایشان گفتم که قصد دارم در حوزه علمیه تحصیل را ادامه دهم و از شما خواستم که برای من دعا کنند. دیدار رهبری یکی آن دیدارهایی است که هر چه نخیکنان ما می‌آیند و مشکلات را می‌گویند و راه حل هم می‌دهند و تلویزیون هم آن‌ها را با بخش می‌کند و همین مسئله باعث می‌شود دشمنان ما به راحتی به مشکلات عمقی کشور پی ببرند و برای آن‌ها برنامه‌ریزی کنند. رهبری به یکی از بخش‌های متن ما پاسخ دادند، و آنجایی بود که درباره اشتغال جوانان من ایراد کرده بودم. که رهبری در حین سخنرانی گفتند که نمی‌شود برای پنج میلیون دانشجو شغل دولتی ایجاد کرد. من نه اصلاح طلب هستم و نه اصولگرا، اما سؤال اصلی در ذهن من در آن سال مسئله حصر بود که به آن هم اشاره کردم.

یک روز قبل از دیدار به من اطلاع دادند که به عنوان مجری ذخیره انتخاب شده‌ام و اگر اتفاقی برای مجری اصلی بیفتد، من مجری برنامه می‌شوم و خودشان عنوان کردند که شانس اینکه مجری ذخیره به عنوان مجری اصلی باشد، یک در هزار است و ساعت ۱۰ صبح روز دیدار بود که به من اطلاع دادند من جایگزین مجری اصلی شده‌ام و تنها ۳ ساعت برای آماده شدن و نوشتن متن زمان داشتم، از سوی دیگر صبح همان روز حادثه تروریستی مجلس و حرم امام رخ داده بود و اولین کارم این بود که به سیدحسین موسوی تماس گرفتم و از او خواستم متنی برایم بنویسد.

برای هر دانشجویی که قرار به صحبت داشت، کمتر از ده دقیقه زمان در نظر گرفته شده بود و بحث مدیریت زمان برای اینکه همه افراد بتوانند صحبت کنند، بسیار مهم بود؛ از سوی دیگر وقتی هر فردی یک یا دو دقیقه بیشتر از زمان در نظر گرفته شده، صحبت می‌کرد در مجموع همین دقیقه‌ها یا باعث می‌شد که نوبت به سخنرانی دیگر افراد نرسد و یا اینکه مراسم به بعد از اظفار نیز کشیده شود و همان طور که در برخی دیدارها چنین اتفاقی افتاده بود، سال گذشته نیز مراسم بعد از اظفار ادامه داشت. ما نیز برای اینکه بتوانیم زمان را مدیریت کنیم، هم پیش از شروع برنامه به دانشجویان تذکر دادیم و هم در حین سخنرانی آن‌ها تذکراتی را مطرح می‌کردیم، با این حال در برخی موارد نیز به رسم پیشینیان از سنت خودکار استفاده می‌کردیم و با خودکار به پای دانشجویی که در حال سخنرانی بود، می‌زدیم تا بتوانیم با استفاده از این روش زمان جلسه را به خوبی مدیریت کنیم.

متأسفانه در دیدار سال گذشته بر اساس برنامه‌ریزی که از سوی مسئولان در نظر گرفته شده بود، شرایط برای صحبت چهره به چهره ما با رهبر انقلاب مهیا نشد و تنها در مقام مجری در آن دیدار حضور داشتیم. متن سخنرانی که از سوی سیدحسین موسوی تهیه شده بود که در برخی بخش‌هایش یادآوری اتفاقات گذشته بود و رهبری نیز در این قسمت‌ها با لبخند می‌زدند و با تأیید می‌کردند که این مسئله برای ما خیلی موضوع شیرینی بود و حتی بعد از پایان مراسم نیز دانشجویان تأیید گاه‌وبیگاه رهبری را تأیید کردند.

دیدار رمضان سال ۱۳۸۹

سال ۸۸، سال اتفاقات تلخ و شیرین در سطح کشور بود. امیدوار بودیم با تسبیح حقیقی که در ۸۷ صورت گرفت و پیگیری‌های بعد از آن و نیز لطمه‌های جدی‌ای که دانشجویان دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران در آن سال دیدند این بار نوبت به ما و طرح سؤال‌ها و دغدغه‌هایمان برسد. اما ۸۸ بدتر از ۸۷ شد. این بار نه تنها برای ایراد سخن صدایمان نکردند که اساساً به عنوان مستمع آزاد هم دعوتی صورت نگرفت. رهبری هم در آن نشست فرمودند: البته شما همه دانشجویهای کشور نیستید؛ شاید نماینده‌ی همه‌ی تفکرات گوناگون و سلاخی مختلف دانشجویی را نباشید. بعد از آن مسئولین از ما عذرخواهی کردند و اتفاق پیش آمده که ایشان بعد از برگزاری برنامه از مسئولین به خاطر یکدست بودن حضار که کرده بودند. برای ما که دغدغه همیشگی افزایش کارآمدی نظام و اعتدالی نام‌پروازهای جمهوری اسلامی را داشتیم بسیار درآورد بود که به این راحتی نخواهند ما را از دایره دلسوزان نظام بیرون کنند و ارتباطمان با رهبری نظام را قطع نمایند، این ناراحتی زمانی اوج می‌گرفت که در عمل می‌دیدیم ما به انقلاب و نظام مشفق تریب و حرف‌هایمان که مجال مطرح کردنش را نمی‌دهند از حرف‌های متداول راهگشاستر است، آن‌روز بود که با همه آسبی که از متولیان امر داشتیم باز هم مصر به حضور شدیم. سال ۸۹ مسئولیت دبیری انجمن هم به عهده بنده بود، از روزهای اول آن دوره با مشورتی که با دوستان قدیم و جدید انجام دادم همه تلاش‌ها را گذاشتم که این تریبون را بگیرم. در همه ارتباطاتی که با رئیس دانشگاه، مسئولین نهاد رهبری در دانشگاه، مسئولین نهاد کل، نمایندگان مجلس و دیگران داشتیم شرح مواقع می‌گفتم و این درخواست را با قاطعیت پیگیری می‌کردیم. همه توانمان را به کار بستیم برای تهیه متنی که باز گوی هویتمان باشد و نیز بتواند دغدغه‌ها، رنج‌ها، سوالات و تقدهایمان را در زمان ۷-۶ دقیقه ارائه دهد، وسواسی هم بین همه بچه‌ها بود که متن کاملاً نجیبانه و مؤدبانه انشا شود. مراسم آن شب برگزار شد و نماینده انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران بعد از قریب ۱۱ سال و علیرغم بی‌مهری کارگزاران امر، در بیت رهبری مجال سخن پیدا کرد.

دیدار سال ۱۳۹۳

روند انتخاب برای نماینده بسیج دانشجویی به این صورت است که ابتدا رأی‌گیری صورت می‌گیرد و سه نفر اول برای سخنرانی انتخاب می‌شوند، که از آن سه نفر شورای سازمان یک نفر را با توجه به معیارهایی که وجود دارد انتخاب می‌کند. معیارهای هم این گونه است که فرد منتخب باید، از بیان خوبی برخوردار باشد، از اعضای بسیج دانشجویی بوده باشد و بتواند به درستی مواضع سخنرانی را تبیین و بیان کند. از نکات قابل توجه در آن دیدار پافشاری معاون فرهنگی وقت وزیر علوم بود که به دلیل مواضع انقلابی که گرفته بودم، تلاش زیادی کرد که در این دیدار سخنرانی نکنم. تحلیل ایشان هم این بود که اگر در این جلسه سخنرانی کنم هم یک وجهه برای بنده به وجود می‌آید و هم در آنجا وزارت علوم و معاونت‌های این وزارتخانه را به چالش می‌کشیم. بر همین اساس فشارهای متعددی آوردند. تا وقتی که پشت تریبون نرفته بودم، مطمئن نبودم که نماینده بسیج دانشجویی هستم، حتی به نفر جایگزین خودم هم شب قبل از سخنرانی زنگ زدم و گفتم خودت را انتخاب کن که این‌ها به خاطر فشار زیادی بود که روی من ایجاد کرده بودند. در آن زمان آقای دکتر حیدری که رئیس وقت سازمان بودند جلوی فشارها را گرفتند و تأکید داشتند که گزینه بسیج دانشجویی بنده هستم. ما وقتی وارد حسینیته شدیم، آقای حقانی به بنده گفت پشت تریبون بنشینید، و یک فهرستی را درآوردند که اسم من به عنوان سومین سخنران بود، من آنجا بود که فهمیدم که نماینده نهایی هستم که حس خوشحالی به من دست داد. سخنرانی من باعث شد که رهبر انقلاب به دو سؤال من پاسخ دادند، یکی در همان جلسه و دیگری نیز در دیدار بعدی که پایگاه ایشان نیز به این مسئله اشاره کرده بود. یک سؤال درباره مسئله‌ای بود که در فعالیت ما در داخل دانشگاه ما مشکل رویرو بود، و آن هم این بود که برخی‌ها به ما می‌گویند کارهایی که در دانشگاه انجام می‌دهید برخلاف نظر رهبر است و... من همین مسئله را عیناً مطرح کردم، آنجا گفتم که نظر ما این است که مسائل را باید تحلیل کنیم، در صحنه عمل کنیم، اگر رهبری صلاح دانستند ورود پیدا می‌کنند. حضرت آقا در دیدار به این سؤال اشاره کردند و خیلی خوب هم پاسخ دادند و حرف ما نیز تأکید کردند.

دیدار رمضان سال ۱۳۸۵

قبل از آن جلسه مباحث جنبش نرم‌افزاری، تولید علم بومی و... هنوز تعریف مشخصی نداشت، در آن جلسه من این مسئله را تشریح کردم و آوردم که ما مباحث پیرامون تولید علم بومی و جنبش نرم‌افزاری مثل تنفس کردن درون یک حباب است، الآن اگر شاخه‌ها و ابعاد آن تعریف نشود یک فضای محدود تنفسی در اختیار قرار می‌گیرد، این مباحث در آن زمان ناظر به دولت اصلاحات بود و این تأکید را داشتیم که این مسئله که حضرت آقا فرموده‌اند توسط دولت‌ها فهم نشد. صحبتیم که تمام شد به جای اینکه بروم بنشینم، آمدم و برم سمت آقا، نزدیک‌ترین محافظی که کنارم بود، راهنمایی کرد که بنشینم، که خود حضرت آقا اشاره کردند که بگذارید بیاید. وقتی که خدمت ایشان برای عرض ادب رسیدم ایشان فرمودند که مطالبی که نوشتید خوب بود. آن‌طور که خاطرم هست دو بار فرمودند که خیلی مطالب خوبی بود. بعد فرمودند نوشته‌ای که داشتید را بیاورید. ما در دفتر اتحادیه متن سخنرانی را تایپ کرده بودیم که رنگ نوشته‌ها مشکی بود، قبل از دیدار و در حین رفتن با خودکار آبی بعضی قسمت‌ها را اصلاح می‌کردم و بعضاً عبارات و علامت‌هایی هم می‌گذاشتم. در خود جلسه نیز تا آخرین لحظه در حال ویرایش متن بودم منتهی خودکار آبی در دسترس نبود و از دوستی که کنارم بود، یک روان نویس سبز گرفتم و دوباره روی همان برگه اصلاحات دیگری را نیز اعمال کردم، به خاطر همین مسئله، بعد از آنکه حضرت آقا خواستند تا برگه را به ایشان بدهم، به ایشان گفتم که برگه شکل خوبی ندارد و سؤال کردم که می‌شود متن سخنرانی را بعداً تقدیمتان کنیم که ایشان گفتم، نه هرچه هست خوب و همان را بیاورید. مسئله مهم در این دیدار، حضور در مقابل رهبر معظم انقلاب است، که ما به واسطه عملکرد ایشان از قبل از انقلاب، از خواننده‌ایم، از دوره انقلاب که آن هم خواننده‌ایم، از دوره ریاست جمهوری ایشان که ندیده‌ایم و درک نکرده‌ایم یک تعریفی را در ذهن جوان و دانشجو به وجود می‌آورد که این تعریف به دانشجویی که برای اولین بار در مقابل عالی‌ترین شخصیت مملکت به یک تعریف، عالی شخصیت عالم جهان اسلام به یک تعریف و عالی‌ترین شخصیت دنیا به یک معنی دیگر قرار می‌گیرد، بدون استرس و بدون واژه می‌تواند نظرات خودش را بگوید ولو اینکه اشتباه باشد و حتی خودش اینکه تردید دارد که حرفش درست است یا نه، از رهبر انقلاب سؤال می‌کند.

دانشجویی

حساسیت همراه با احساس به یاد امروز قدر نسل جوان قدیم برمی‌دارد - بدانند: برابر این سرنوشت مهم و این کشور باید این احساسات، ایستادن بر سر تصمیم کند، از خصوصیاتی است که هده گردام.

دانشجویی

برداشت و توقع بنده و نظام اسلامی از جماعت دانشجو این است که فکر می‌کنیم دانشجو یک روشن فکر تمام عیار مسلمان است. در سطح دنیا جریاناتی وجود دارند - بعضی‌شان در ایران شعبه هم دارند که دانشجو را نه روشن فکر می‌پندند، نه مسلمان. روشن فکر نمی‌پندند، زیرا او را دچار تعصب و تحجرهای حزبی و سیاسی و وارداتی می‌کنند. ما وقتی می‌گوییم تحجر، فوراً ذهنمان می‌رود به تحجر مذهبی؛ بله آن هم یک نوع تحجر است، اما تحجر فقط تحجر مذهبی نیست، بلکه خطرناک‌تر از آن، تحجر سیاسی است؛ تحجرهای ناشی از شکل‌بندی تحزب و سازمان‌های سیاسی است که اصلاً امکان فکر کردن به کسی نمی‌دهند.

دانشجویی

اگر شما جوانان نگاه به قله‌های آرمانی را کنار بگذارید، برآیند غلطی به وجود خواهد آمد. برآیند آرمان‌گرایی شما و چالش مسئولان با مصلحت‌ها، برآیند معتدل و مطلوبی خواهد شد؛ اما اگر شما هم دنبال مصلحت‌گرایی رفتید و گرایش مصلحت‌اندیشانه - یعنی صدرصد یا واقعیت‌ها کنار آمدن - وارد محیط فکری و روحی دانشجو و جوان شد، آن وقت همه چیز به هم می‌ریزد و بعضی آرمان‌ها از ریشه قطع و گم خواهد شد. من می‌خواهم غالب یا بیش از غالب بدنه‌ی دانشجویی کشور، مجموعه‌ای متعهد و دارای احساس مسؤولیت نسبت به آرمان‌های دانشجویی باشند. یکی از این آرمان‌ها مسئله علم است؛ دومی عدالت‌خواهی است و آرمان سوم، آزاداندیشی و آزادخواهی است.

دانشجویی

اگر شما جوانان نگاه به قله‌های آرمانی را کنار بگذارید، برآیند غلطی به وجود خواهد آمد. برآیند آرمان‌گرایی شما و چالش مسئولان با مصلحت‌ها، برآیند معتدل و مطلوبی خواهد شد؛ اما اگر شما هم دنبال مصلحت‌گرایی رفتید و گرایش مصلحت‌اندیشانه - یعنی صدرصد یا واقعیت‌ها کنار آمدن - وارد محیط فکری و روحی دانشجو و جوان شد، آن وقت همه چیز به هم می‌ریزد و بعضی آرمان‌ها از ریشه قطع و گم خواهد شد. من می‌خواهم غالب یا بیش از غالب بدنه‌ی دانشجویی کشور، مجموعه‌ای متعهد و دارای احساس مسؤولیت نسبت به آرمان‌های دانشجویی باشند. یکی از این آرمان‌ها مسئله علم است؛ دومی عدالت‌خواهی است و آرمان سوم، آزاداندیشی و آزادخواهی است.

دانشجویی

محیط دانشجویی، محیط سیالی است؛ یعنی شما امروز دانشجویید، پنج سال دیگر اغلبتان دانشجوی نیستید؛ یک گروه دیگری به جای شما دانشجویند. اینجا دو تا محیط برای استمرار هست: یکی خود شما هستید. شما به مجرد اینکه از محیط دانشجویی دانشگاه خارج شدید، یادتان نرود که در شکل دانشجویی، در محیط دانشجویی، در کلاس درس، در یک چنین جلساتی چه می‌گفتید، چه می‌خواستید و به عنوان آرمان چه چیزهایی را مشخص می‌کردید؛ این‌ها را فراموش نکنید؛ این‌ها را نگه دارید. این یک مطلب است. ما یکی از افت‌هایمان همین است؛ آدم‌ها چند مباحثی در محیط قرار می‌گیرند، رنگی به خودشان می‌گیرند، از آن حصر شده، مثل آهنی می‌شوند که از کوره بیرون بیاوروی؛ تا نوبی کوره است، رنگش سرخ است، وقتی بیرون آوری، تدریجاً رنگش به سباهی می‌گراید.

دانشجویی

محیط دانشجویی، محیط سیالی است؛ یعنی شما امروز دانشجویید، پنج سال دیگر اغلبتان دانشجوی نیستید؛ یک گروه دیگری به جای شما دانشجویند. اینجا دو تا محیط برای استمرار هست: یکی خود شما هستید. شما به مجرد اینکه از محیط دانشجویی دانشگاه خارج شدید، یادتان نرود که در شکل دانشجویی، در محیط دانشجویی، در کلاس درس، در یک چنین جلساتی چه می‌گفتید، چه می‌خواستید و به عنوان آرمان چه چیزهایی را مشخص می‌کردید؛ این‌ها را فراموش نکنید؛ این‌ها را نگه دارید. این یک مطلب است. ما یکی از افت‌هایمان همین است؛ آدم‌ها چند مباحثی در محیط قرار می‌گیرند، رنگی به خودشان می‌گیرند، از آن حصر شده، مثل آهنی می‌شوند که از کوره بیرون بیاوروی؛ تا نوبی کوره است، رنگش سرخ است، وقتی بیرون آوری، تدریجاً رنگش به سباهی می‌گراید.

دانشجویی

اگر شما جوانان نگاه به قله‌های آرمانی را کنار بگذارید، برآیند غلطی به وجود خواهد آمد. برآیند آرمان‌گرایی شما و چالش مسئولان با مصلحت‌ها، برآیند معتدل و مطلوبی خواهد شد؛ اما اگر شما هم دنبال مصلحت‌گرایی رفتید و گرایش مصلحت‌اندیشانه - یعنی صدرصد یا واقعیت‌ها کنار آمدن - وارد محیط فکری و روحی دانشجو و جوان شد، آن وقت همه چیز به هم می‌ریزد و بعضی آرمان‌ها از ریشه قطع و گم خواهد شد. من می‌خواهم غالب یا بیش از غالب بدنه‌ی دانشجویی کشور، مجموعه‌ای متعهد و دارای احساس مسؤولیت نسبت به آرمان‌های دانشجویی باشند. یکی از این آرمان‌ها مسئله علم است؛ دومی عدالت‌خواهی است و آرمان سوم، آزاداندیشی و آزادخواهی است.

دانشجویی

اگر شما جوانان نگاه به قله‌های آرمانی را کنار بگذارید، برآیند غلطی به وجود خواهد آمد. برآیند آرمان‌گرایی شما و چالش مسئولان با مصلحت‌ها، برآیند معتدل و مطلوبی خواهد شد؛ اما اگر شما هم دنبال مصلحت‌گرایی رفتید و گرایش مصلحت‌اندیشانه - یعنی صدرصد یا واقعیت‌ها کنار آمدن - وارد محیط فکری و روحی دانشجو و جوان شد، آن وقت همه چیز به هم می‌ریزد و بعضی آرمان‌ها از ریشه قطع و گم خواهد شد. من می‌خواهم غالب یا بیش از غالب بدنه‌ی دانشجویی کشور، مجموعه‌ای متعهد و دارای احساس مسؤولیت نسبت به آرمان‌های دانشجویی باشند. یکی از این آرمان‌ها مسئله علم است؛ دومی عدالت‌خواهی است و آرمان سوم، آزاداندیشی و آزادخواهی است.

دانشجویی

یکی از الزامات اثرگذاری [تشکل‌های دانشجویی و جریان دانشجویی] این است که بتوانید بدنه‌ی دانشجویی را جذب کنید. تشکل‌ها یک اقلیت دانشجویی‌اند. مجموع شما تشکل‌ها را که جمع کنند، در بین خیل انبوه دانشجویان اکثریت نیستند. باید بتوانید جاذبه در خودتان ایجاد کنید که دانشجویان را جذب کند. جاذبه چگونه به وجود می‌آید؟ تصور من این است که راه‌های زیادی وجود دارد؛ شماها جوانید، ابتکاراتتان پیش از ما است. البته جذابیت از راه اردوی مختلط، صدرصد غلط و خطا است. بعضی‌ها این جوری جذابیت می‌خواهند ایجاد کنند. یک مجموعه‌ی دانشجویی، حالا یا به عنوان برطوطراف مجموعه‌ی سنغی و علمی و تخصصی، یا حتی زیر عنوان اسلامی، دختر و پسر را با هم بردارد بپرند کوه!

دانشجویی

وظیفه‌ی تشکل‌های دانشجویی تبیین است. ما با ذهن‌ها مواجهیم، با دل‌ها مواجهیم؛ باید دل‌ها قانع بشود. اگر دل‌ها قانع نشد، بدن‌ها به راه نمی‌افتد، جسم‌ها به کار نمی‌افتد؛ این فرق بین تفکر اسلامی و تفکرات غیر اسلامی است. در مسئله‌ی اقتصاد مقاومتی، در مسئله‌ی پیشرفت علمی، در مسئله‌ی ارتباط با آمریکا، مسئله‌ی فرهنگ، عدالت، اقتصاد دانش‌بنیان، پیشرفت ایرانی اسلامی، شتاب در یافته‌های علمی، برای خیلی‌ها روشن نیست. برای شما که مجموعه‌های دانشجویی هستید، اگر روشن نیست، بروید برای خودتان روشن کنید؛ اگر روشن است، برای مجموعه‌ی دانشجویی تبیین کنید. سبک زندگی اسلامی ایرانی را در اندیشه و عمل دنبال کنید؛ مسئله‌ی مهمی است. بنشینید رویش فکر کنید، مصداق‌هایش را مشخص کنید، بعد خودتان عمل کنید و این را به عنوان دستورالعمل فرض کنید یک جزوه منتشر بشود در مورد سبک زندگی اسلامی.

دانشجویی

اگر شما جوانان نگاه به قله‌های آرمانی را کنار بگذارید، برآیند غلطی به وجود خواهد آمد. برآیند آرمان‌گرایی شما و چالش مسئولان با مصلحت‌ها، برآیند معتدل و مطلوبی خواهد شد؛ اما اگر شما هم دنبال مصلحت‌گرایی رفتید و گرایش مصلحت‌اندیشانه - یعنی صدرصد یا واقعیت‌ها کنار آمدن - وارد محیط فکری و روحی دانشجو و جوان شد، آن وقت همه چیز به هم می‌ریزد و بعضی آرمان‌ها از ریشه قطع و گم خواهد شد. من می‌خواهم غالب یا بیش از غالب بدنه‌ی دانشجویی کشور، مجموعه‌ای متعهد و دارای احساس مسؤولیت نسبت به آرمان‌های دانشجویی باشند. یکی از این آرمان‌ها مسئله علم است؛ دومی عدالت‌خواهی است و آرمان سوم، آزاداندیشی و آزادخواهی است.

دانشجویی

اگر شما جوانان نگاه به قله‌های آرمانی را کنار بگذارید، برآیند غلطی به وجود خواهد آمد. برآیند آرمان‌گرایی شما و چالش مسئولان با مصلحت‌ها، برآیند معتدل و مطلوبی خواهد شد؛ اما اگر شما هم دنبال مصلحت‌گرایی رفتید و گرایش مصلحت‌اندیشانه - یعنی صدرصد یا واقعیت‌ها کنار آمدن - وارد محیط فکری و روحی دانشجو و جوان شد، آن وقت همه چیز به هم می‌ریزد و بعضی آرمان‌ها از ریشه قطع و گم خواهد شد. من می‌خواهم غالب یا بیش از غالب بدنه‌ی دانشجویی کشور، مجموعه‌ای متعهد و دارای احساس مسؤولیت نسبت به آرمان‌های دانشجویی باشند. یکی از این آرمان‌ها مسئله علم است؛ دومی عدالت‌خواهی است و آرمان سوم، آزاداندیشی و آزادخواهی است.

دانشجویان

کار بکاتور



اندر حکایت سنوات تحصیلی محمد امین شفق

گپ و گفتی با چهار عضو شورای صنفی دانشگاه‌های کشور درباره یک چالش قدیمی دانشجویان:

پیدا و نهان سنوات تحصیلی

دانشجو است دیگر! زیر بار زور نمی‌رود، سخت می‌شود سر مسالماهی که موضوع دارد کوتاه‌باید. اگر دخلش به خرجش نچربد، صدای خود را بلند می‌کند و پای همه هزینه‌ها می‌آیند. البته این مسالماهی که دنبال آن‌ها گشته است و فضای پویایی دانشگاه - اگر به بی‌فانونی منجر نشود - باشد، حالا و در اواسط ترم «بهاره» این‌بار این روحیه دانشجویی و ایهاماتی که هنوز پاسخی از سوی مسئولان آموزش عالی به آن داده نشده، باز هم صحن اما ماجرا در دانشگاه تربیت مدرس به گونه‌ای دیگر بود آن هم به این صورت که ماهانه سنوات دانشجویان تمدید می‌کردند یعنی بعد از تمدید اول دانشجو به زمان جرمه‌ها می‌افتد به‌طور مثال یکی از دانشجویان در مهرماه مهلت تمدیدش به پایان رسید و از آن‌جا جرمه‌های تغذیه، خوابگاه و پژوهشی آن شروع شد که بسیار سنگین بود درحالی که در قانون ترم ۵ را رایگان قرار داده است. اما بعضی از این مشکلات ناشی از عدم اجرای صحیح قانون سنوات است ولی ما شورای صنفی دانشگاه تربیت مدرس باینکه دانشجویان را تحت فشار قرار دهند و برای سنوات از آنان پول دریافت کنند مخالفیم در دانشگاه تربیت مدرس چون تحصیلات تکمیلی است باید استثناهایی قرار دهند چون به سنوات رفتن دانشجو همیشه مقصرش خود فرد نیست گاهی استاد راهنما سواد درگیر شدن با پایان نامه را



مشکلی به نام عدم اجرای صحیح قانون سنوات است
امیر شیان
عضو شورای صنفی دانشگاه تربیت مدرس

خیلی از دانشگاه از اسفندماه با آن درگیر بودن و چون در آن موقع خیلی از دانشجویان کارشناسی ارشد نزدیک دفاع بودن و ترم ۵ آن‌ها تمام می‌شود به فکر اعتراض افتادند و چون این قانون سنوات در قديم ۴ ترم با شرط بود و شرط آن هم تالیف گروه را می‌خواست ولی در وزارتخانه علوم این را تا ۵ ترم تمدید کردند اما ماجرا در دانشگاه تربیت مدرس به گونه‌ای دیگر بود آن هم به این صورت که ماهانه سنوات دانشجویان تمدید می‌کردند یعنی بعد از تمدید اول دانشجو به زمان جرمه‌ها می‌افتد به‌طور مثال یکی از دانشجویان در مهرماه مهلت تمدیدش به پایان رسید و از آن‌جا جرمه‌های تغذیه، خوابگاه و پژوهشی آن شروع شد که بسیار سنگین بود درحالی که در قانون ترم ۵ را رایگان قرار داده است. اما بعضی از این مشکلات ناشی از عدم اجرای صحیح قانون سنوات است ولی ما شورای صنفی دانشگاه تربیت مدرس باینکه دانشجویان را تحت فشار قرار دهند و برای سنوات از آنان پول دریافت کنند مخالفیم در دانشگاه تربیت مدرس چون تحصیلات تکمیلی است باید استثناهایی قرار دهند چون به سنوات رفتن دانشجو همیشه مقصرش خود فرد نیست گاهی استاد راهنما سواد درگیر شدن با پایان نامه را



بعضی از دانشجویان سنواتی سود می‌برند اما
شهریار طاعتی
عضو شورای صنفی دانشکده صداوسیما

ما از سال پیش تمام تلاش خودمان را برای اینکه بتوانیم سطح سنوات را بالا ببریم انجام دادیم خصوصاً در دانشگاه صداوسیما که درس اضافه بسیاری به دانشجویان تحمیل می‌شود و آن‌ها ناچارند که همه را بخوانند ولی متأسفانه مسئولین دانشگاه اصلاً با این نظر موافق نیستند و آن چیزی را که اذعان می‌کنند برای پایین آوردن هزینه‌های دانشگاه اقدام به کم کردن سنوات می‌کنند. متأسفانه پیگیری‌های ما در دانشگاه صداوسیما اصلاً نمره‌ای نداشته است و حتی ما را تهدید به حراست نیز کرده‌اند درهرصورت در این دانشگاه شورای صنفی نتوانسته است این مسئله را اصلاح کند و دانشگاه همان رویه خودش را پیش می‌برد. ما به‌عنوان شورای صنفی پیشنهادهای خود را به هیئت‌امنا داشته‌ایم اما دانشگاه داده‌ایم ولی هیچ‌گاه حتی آن را بررسی هم نکرده‌اند درصورتی که می‌توان با کمی چکش کاری و ملازمات دانشجویی آن را به نفع دانشگاه و دانشجویان تصریح کرد به‌طور مثال شورای صنفی چند سال پیش طرحی برای اینکه روند تصویب پایان‌نامه‌های ارشد زودتر صورت بگیرد به معاونت آموزش دانشگاه ارائه داد اما تنها آن را



قانونی که صلاحش را دانشگاه تعیین می‌کند
احمد رضا دریادل
دبیر شورا صنفی دانشگاه خوارزمی

در دولت قبل حوزه دخالتی شورا صنفی صرفاً مسائل صنفی و رفاهی شد که دخالت در مسائل پژوهشی را از شورای صنفی سلب کرد و جمع و تشکل دانشجویی دیگری هم بعداً برای پیگیری مسائل آموزشی و پژوهشی انتخاب شد و این بی‌تردید تنها جمع دانشجویی که صلاحیت پیگیری این مسائل را دارد شورا صنفی می‌باشد. ۹۱ سنوات مجاز به‌صورتی بود که برای کاردانی دو سال و نیم و برای کارشناسی ۵ سال شامل سنوات مجاز می‌باشد که این منوال به‌طور رسمی برای مؤسسات آموزشی رسمی می‌داند ولی در سال ۹۳ این قانون برای دانشجویان ورودی سال ۹۳ که بعد لازم‌الاجرا می‌باشد که در اساس این آیین‌نامه در تبصره اول آن آمده است که این قانون مشروط به صلاحیت دانشجویی است تا حداکثر یک سال برای کارشناسی و نیم سال برای کاردانی سنوات مجاز اضافه شود. و



پیشنهادی برای پایان معضل سنوات تحصیلی
بويا جانی پور
عضو اسبق شورای صنفی دانشگاه علم و صنعت و فعال صنفی

با توجه به سبک سیاسی دولت دکتر روحانی و البته دوره ریاست جمهوری قبل از ایشان برنامه مبنی بر این شد که سیستم سنوات در مقاطع تحصیلی کارشناسی ارشد و دکتری به‌صورت ۸- ۸- ۴ بوده این منوال در بیشتر اوقات به خاطر کمبودها و نداشتن امکانات خود مراکز آموزشی دانشگاه‌ها مانند کمبود کارگاه‌ها و آزمایشگاه‌ها و دیگر مسائل دانشجویی به‌خودی‌خود مخصوصاً در رشته‌های غیر علوم انسانی به ترم ۱۰ و ۹ می‌افتادند و از زمانی که سنوات مجاز دانشجویان به همین صورت که عرض شد کم شد شورای صنفی هم با توجه به وظیفه‌اش پیگیری این گونه مسائل شد. در زمان دوره دوم ریاست جمهوری دکتر احمدی‌نژاد قدرت پیگیری و حق دخالت شورای صنفی کاهش پیدا کرد و به‌زعم دولت وقت این شورا صرفاً در مسائل صنفی که عمومیت رفاهی دارد شرکت کند و اختیارات در حوزه مسائل آموزشی و پژوهشی کمتر شد و در همین حال قدرت در مسائل رفاهی که مانند خدمات آموزشی تغذیه و اسکان و میحت صنفی نیز صرفاً شامل قاشق و چنگال‌های دانشگاه نمی‌شود و با توجه به سیاست دولت و وزیر علوم مسئله سنوات هم جز مسائل صنفی می‌شود. مسئله سنوات بیشتر دانشجویان کارشناسی ارشد

روی خط تشکل‌ها

نامۀ ۵۰ شورای صنفی دانشجویان به وزیر علوم در خصوص لغو قانون فعلی سنوات: بدون شک خواسته‌های بدیهی و اساسی تمامی دانشجویان و شوراهای صنفی به نمایندگی از آن‌ها، تغییر آیین‌نامه‌های فعلی و بازگشت به قوانین سابق در این خصوص می‌باشد که به شرح زیر است: ۱- عدم تمیز سنوات تحصیلی و رفاهی (چراکه اگر دانشجویی دارای شرایط بهره‌مندی از سنوات تحصیلی باشد قطعاً باید از امکانات رفاهی نیز بهره‌مند گردد). ۲- افزایش سنوات تحصیلی دانشجویان مقطع کارشناسی و دکتری به مدت ۱۰ نیمسال و کارشناسی ارشد به مدت ۶ نیمسال.

نامۀ ۷ دفتر بسیج دانشجویی تهران خطاب به مسئولان حامی برجام: در این نامه خطاب به علی لاریجانی، علی‌اکبر ولایتی، محسن رضایی، سعید حسن فیروز آبادی، علاءالدین بروجردی آمده است: واقعیت این است که همه‌ی شما در قبال وضع موجود مقصر و مسئولید. اگر شما این چنین بزرگ نمی‌کردید و واقعیت را بیان می‌کردید و صریحاً به مردم می‌گفتید که ما با چه دولتی بدعهدی طرف هستیم، این تصمیم به‌نظام تحمیل نمی‌شد.

نامۀ ۱۶ تشکل دانشجویی درباره تصویب لایح FATF: از شما نمایندگان مجلس خواستاریم به‌جای بسنده کردن به اقداماتی همانند آتش زدن برجام، به وظیفه و تکلیف دینی خود عمل کنید و به‌جای اجرای خواسته‌های سازمان صهیونیستی و آمریکایی FATF، به فرمایشات رهبر معظم انقلاب و نخبگان ملت مبنی بر اجرای پیمان‌های پولی دوجانبه و حذف دلار از مبادلات گوش بدهید.

نامۀ ۷۰ تشکل دانشجویی دانشگاه فرهنگیان خطاب به وزیر آموزش و پرورش: از شما وزیر محترم نیز می‌خواهیم همچون آن روزی که به‌موجب افتخار به این سند تدریس آن در مدارس شروع شد، امروز با افزودن درسی در کتب مقاطع مختلف تحصیلی با عنوان «نتیجه اعتماد به دشمن (برجام)»، نتیجه تلخ این اعتماد، به سبب اهمیت تاریخی آن تدریس شود و نتیجه تخطی از فرامین، ولی امر مسلمین تبیین شده تا کودکان ما بدانند تعدی از فرامین معظم له چه پیامدهایی در پی دارد.

توثیت نگار

در طی مدت اخیر سه موضوع هفته‌خوابگاه‌ها، گرانی کله‌پاچه و برگزاری کلاس‌ها در ماه مبارک رمضان مورد توجه کاربران شبکه اجتماعی توییتر بود.

خوابگاه: یکی از دانشجویان می‌نویسد: خلیلمامون اولین بار توی خوابگاه فهمیدیم جایی هم می‌تونه کیک برزه؛ دیگری نیز نوشت: ما به مراسمی داشتیم تو خوابگاه به اسم از اذان تا اذان، این جور بود که از اذان صبح تا اذان ظهر می‌خوابیدم؛ پست یکی دیگر از دانشجویان نیز با ریتوییت قابل توجه روبرو شده است: «خوابگاه اینمدلیه که تو حتی بخوای زهره‌لاهل بخوری باز یکی دوتا پیدا میشند زهر هوس کردن و باهات چندلقمه بخورن»

کله‌پاچه: گرانی کله‌پاچه نیز که تا ۱۱۰ هزار تومان رفت، با واکنش دانشجویان روبرو شده است، دانیال در پستی می‌نویسد: «کله‌پاچه هم گرون شده مگه گوسفند با دلار سر و کار داره؟!»، یکی دیگر از کاربران توییتر نیز نوشت: تصمیم مهمی که گرفتیم اینه که کله‌پاچه رو به بار امتحان کنم شاید خوشم اومد؛ یکی دیگر از کاربران نیز نوشت: «گوسفندا مگه به دلار حقوق می‌گیرن که کله‌پاچه گرون شد»

ماه رمضان: اما یکی دیگر از ترندهای برتر توییتر در روزهای گذشته، توثیت‌های دانشجویان درباره ماه رمضان بود؛ امیر مینویسد: «آه بشه پوشش ۹نه به دانشگاه در ماه رمضان راه انداخت خیلی عالی»، فاطمه نیز مینویسد: «آیا تو ماه رمضان، دایر بودن کلاس و دانشگاه انصافه؟؟» مهدی نیز با انتشار پستی نوشت: بدتر این نیست که اولین جمعه ماه رمضان بیابین دانشگاه که درس بخونین». البته در این میان پست‌های غیر طنز هم با ریتوییت‌های زیادی همراه شده بود، امیر صالح نوشت: «ماه مبارک ماه تجارت باخداوند است، ماهی است که در آن رحمت و مغفرت بسوی انسانها سرازیر است. رمضان بهترین دانشگاه خود سازی است که در آن صبر و بردباری و گذشت، اتحاد و یگانگی، بذل و انفاق و مساوات آموزش می‌بند».



نمودار نوشت

